

اصول جهانی شدن در اقتصاد توسعه

دکتر ابوالقاسم اثنی عشری

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور استان مازندران

محمد رضا بابایی سمیرمی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور استان مازندران - واحد زیرآب

چکیده

جهانی شدن، پدیده‌ای است که از مرزهای ملی فراتر می‌رود و مرزها و محدودیت‌های کاذب را ویران می‌کند. "جهانی شدن اقتصاد" به این مفهوم است که دیگر دولت در زمینه مسایل اقتصادی، استقلال ندارد و پدیده‌های اقتصادی داخل کشورها، متأثر از روند تحولات جهانی اقتصاد است. توسعه استفاده از فناوری اطلاعات، نه تنها در زمینه های اقتصاد و بازرگانی، بلکه به زمینه‌هایی همچون علوم و تحقیقات، اطلاع رسانی، آموزش و... نیز ماهیتی فراملی داده است. جهانی شدن اقتصاد و کشورها، آثار مختلفی را بر اقتصاد جهانی و ملی گذاشته است. آثار این حرکت آنچنان وسیع و گسترده است که گاه فراتر از معیارها و شاخص‌های اقتصادی رفته و جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را نیز در بر گرفته است. اگرچه در فرایند جهانی شدن، نقش دولت در ساماندهی امور اقتصاد کمرنگ تر شده است، اما بازیگری فعالانه و نقادانه در جهت بهره برداری حداکثر از فرصت‌های به وجود آمده و حداقل سازی هزینه‌ها و خطرات ممکن، بر نقش مقتدر و کارآمد دولت تأکید دارند. نگرش قرآن به انسان و رهبران الهی جامعه انسانی، فراگیر و جهانی بوده که هیچ حد و مرز و مانعی را نمی‌شناسد. معیار اصلی قرآن جهت جهانی سازی، عدالت جهانی و تساوی حقوق افراد در پی این پدیده می‌باشد. در مورد مبنای توسعه در اقتصاد اسلامی، آیات و روایاتی مورد استناد این بیان قرار گرفته اند که عدالت را موجب برقراری دولت رفاه و عامل عمران و آبادی و توسعه دانسته اند.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد اسلامی، اقتصاد بازار.

مقدمه

از دیدگاه زیانناختی، مفهوم "جهانی شدن" واژه‌ای است معادل Globalization، که بار معنایی ویژه‌ای را در چارچوب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. هر چند که در متون متنوع علمی از این واژه با احتیاط سخن رفته و آن را مغایر با جامعه جهانی (World Society)، نظام جهانی (World System)، بین‌المللی شدن (Internationalization)، و جهانگرایی (Globality) دانسته‌اند، ولی توصیف مشابهی از این واژه در بین عالمان رشته‌های مختلف علوم انسانی موجود است که به فرآیند و جریان آزاد تفکر و سرمایه مرتبط می‌شود. در تعریف مادی از واژه جهانی شدن "ادوارد آنی تات" از کارمندان ارشد صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: "جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن، جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات، و سرمایه در دنیا میسر می‌شود."^(۱)

در چارچوب این گونه تعاریف، عالمان علم جغرافیا نیز در توصیف وضعیت و جایگاه کلان شهرها بر مفهوم اقتصادی جهانی شدن تأکید می‌کنند و سعی دارند تا محدوده تعریف مذکور را مورد توجه قرار دهند. چنانچه در یکی از این گونه مقالات ذکر شده: "جهانی شدن اقتصاد به تشدید جریان کالا، خدمات، اطلاعات، سرمایه‌گذاری و عوامل تولید در سطح بین‌المللی دلالت دارد که منجر به یکپارچگی اقتصادی جهان می‌شود"^(۲).

آنچه در تعاریف مزبور از نظر پدیده‌های جمعی مورد توجه است، همانا پیوند فرهنگ و اقتصاد در بین احاد اجتماعی در عرصه بین‌المللی است که وقوع آن با شرایط نوین زمان و مکان، توجیه‌پذیر است.

اگرچه در فرایند جهانی شدن، نقش دولت در ساماندهی امور اقتصاد کمرنگ تر شده است، اما بازیگری فعالانه و نقادانه در جهت بهره برداری حداکثر از فرصت‌های به وجود آمده و حداقل سازی هزینه‌ها و خطرات ممکن، بر نقش مقتدر و کارآمد دولت تأکید دارند.



جهانی شدن به فرایندی اطلاق می شود که طی آن، جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در دنیا میسر می شود.

***محورهای جهانی شدن اقتصاد:** در مورد تعریف جهانی شدن اقتصاد، داریوش اخوان زنجانی معتقد است که موانع و مشکلات متعددی در ارایه یک تعریف کارآمد از جهانی شدن وجود دارد که عبارتند از: گستردگی موضوع، مرحله انتقالی و تاریخی بودن جهانی شدن، وجود نداشتن چهارچوب نظری جهت تعریف پدیده، بازنگری و تعریف مجدد مبانی فکری و تقارن زمان جهانی شدن با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.^(۵)

مقوله جهانی سازی اقتصاد، مرزهای جغرافیایی را مقدم بر معاملات تجاری، مبادلات، تحقیقات علمی و القای ارزش های فرهنگی بین المللی و آرزوهای شخصی، تغییر داده است. اینترنت و ارتباطات راه دور هم باعث ایجاد انقلاب در ابزارهایی شده که از آن طریق، مبادلات تجاری، ارتباطات، تولید، دریافت، کوتاه سازی، تحلیل و انتشار اطلاعات به انجام می رسد.^(۶)

از زاویه ای دیگر، "الن دوبنوا" جهانی شدن را روی چهار محور تعریف میکند:

- (۱) توسعه فراتر از دولت - ملت.
 - (۲) گسترش تبادل ناشی از انقلاب ارتباطاتی و اطلاعاتی.
 - (۳) نوع جدیدی از تعارض بین سرمایه و کار ناشی از قدرت جدید سرمایه مالی که همراه است با جدایی جدید بین نیروی کار ماهر و نیروی کار مبتدی.
 - (۴) توسعه و گسترش تجارت جهانی از طریق وارد کردن و پذیرش بازیگران جدید از کشورهای جنوب^(۷).
- "جهانی شدن اقتصاد" به این مفهوم است که دیگر دولت - ملت ها در زمینه مسایل اقتصادی، استقلال ندارند و پدیده های اقتصادی داخل کشورها، متأثر از روند تحولات جهانی اقتصاد است. برای مثال، اقتصاد ایران متکی بر نفت است، و در برابر تحولات قیمت جهانی نفت، بسیار آسیب پذیر می باشد. در جهانی شدن اقتصاد، این گونه

ادبیات تحقیق

(۱) مفهوم جهانی شدن: جان تالینسون^(۱) در تعریف جهانی شدن می گوید: "جهانی شدن، در فرآیند توسعه سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع، فرهنگ ها، نهادها و افراد در تمامی نقاط جهان معنا پیدا می کند." "هاروی" جهانی شدن را متضمن دو عنصر "فشرده سازی در زمان و مکان" و "کاستن از فاصله ها" می داند.

به نظر می رسد که از یک دید کلی، جهانی شدن را بتوان چنین معنا کرد: همکاری آگاهانه و یا الزامی ملت ها، دولت ها و فرهنگ ها جهت زیستن در یک دهکده کوچک جهانی و محیطی رقابتی.

مبحث جهانی شدن رویهمرفته موضوع جدیدی است، در حالی که مفهوم جهانی شدن از سال ۱۹۶۱ به طور رسمی وارد فرهنگ و زندگی ملت ها شده و قدمتی بیش از ۴۰ سال دارد^(۳).

از نظر "مارتین البرو" جهانی شدن پدیده ای است که از مرزهای ملی فراتر می رود و مرزها و محدودیت های کاذب را ویران می کند. نقطه نهایی آن مشخص نیست و هیچ محدودیت زمانی برای تحقق آن وجود ندارد.

جهانی شدن، یعنی ابعاد جهانی پیدا کردن و یا دادن ابعاد جهانی به پدیده ها. جهانی شدن، فرایند ابعاد جهانی پیدا کردن پدیده ها در حداقل یکی از موارد زیر می باشد:

- (۱) انتشار فعال عملکردها، ارزش ها، فناوری و دیگر تولیدات انسانی در سراسر جهان.
- (۲) اعمال نفوذ فزاینده عملکردها، ارزش ها و ... بر زندگی انسان ها.
- (۳) مینا قرار گرفتن پدیده جهانی و عمل کردن آن به عنوان یک نیرو برای شکل دادن به اقدامات انسانی.
- (۴) بروز تحولات فردی ناشی از کنش درونی بین تحولات فوق^(۴).

(۲) جهانی شدن اقتصاد: در مقوله جهانی شدن اقتصاد به محورهای زیر می توان اشاره کرد:



نیست که کالایی فقط در یک کشور تولید شود، بلکه ممکن است قطعات مختلف یک کالا در هر کشوری تولید شود و در کشورهای مختلف نیز بازاریابی شده و به فروش برسد. چنانچه در یکی از مراحل این چرخه - تولید و فروش - ناهماهنگی پیش بیاید، تأثیری جهانی خواهد داشت.

در فرایند جهانی شدن اقتصاد، نقش دولت - ملت ها از بین نمی‌رود، بلکه تعدیل می‌شود و از آن تعریف جدیدی شده است. این نقش در بعضی از نقاط جهان مانند آسیای جنوب شرقی به صورت "مدیریت بحران" (Crisis Management) درآمد است، مدیریت بحران به این مفهوم که دولت - ملت بخشی از شورش‌های داخلی را به نفع یک شرکت فراملیتی سرکوب می‌کند، چون احساس می‌کند که این کار به نفع منافع ملی آن کشور است.^(۸)

همچنین می‌توان گفت که جهانی شدن اقتصاد، روندی است که طی آن، ادغام در اقتصاد جهانی از طریق این تحولات شدت گرفته است:

الف) مقررات زدایی‌های مختلف مربوط به تسهیل حرکت عوامل تولید به ویژه سرمایه از مکانی به مکان دیگر،
ب) برچیدن مرزهای تعرفه‌ای و حمایتی به منظور ادغام هرچه بیشتر بازارهای ملی و منطقه‌ای درهم،

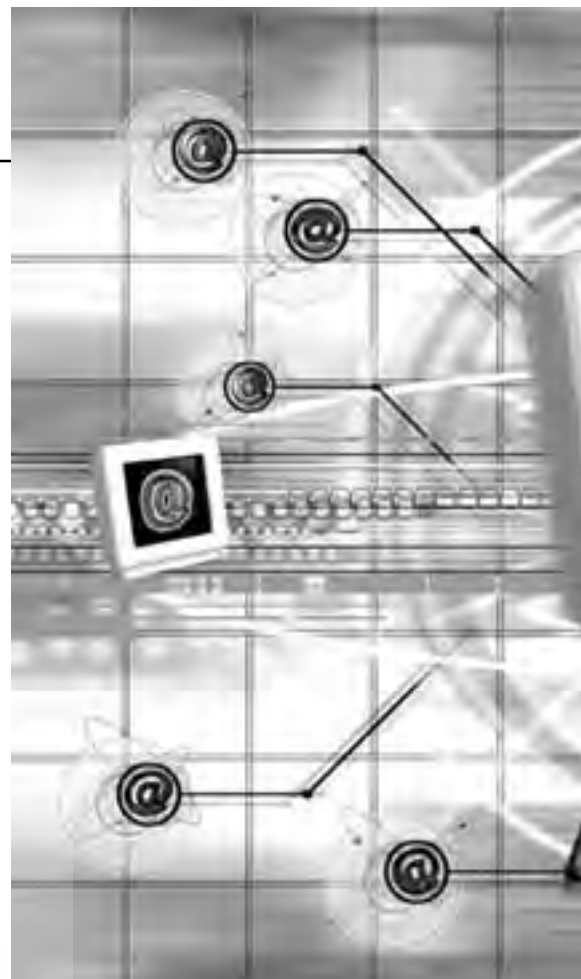
پ) برقراری نظام‌های حقوقی بین‌المللی، به ویژه در چارچوب فعالیت‌های گات و سازمان جهانی تجارت به منظور تنظیم امور و پیشرفت‌های فن شناختی، به ویژه در حوزه رایانه و اطلاعات که اتصال‌های بازارهای مختلف را در سراسر نقاط جهان ممکن کرده و به این صورت، با حذف فاصله مکانی، زمان را فشرده و متراکم‌تر کرده است.

این نکته نیز شایان ذکر است که در ورای مباحث نظری مربوط به آثار و منافع تقسیم بین‌المللی کار، اکنون حتی بانک جهانی نیز می‌پذیرد که جهانی شدن اقتصاد چه در جغرافیای ملی و چه در جغرافیای جهان، برندگان و بازندگان دارد و در عین حال، چه موافقان و چه منتقدان، آن را به مثابه روندی از تحولات تلقی می‌کنند که خارج از اراده کشورهای درحال توسعه رخ داده و قواعد بازی خود را بر آنها اعمال می‌کند. بنابراین، امکان بهره‌مندی از منافع حاصله، به توان و قدرت رقابتی کشورها در شناسایی این قواعد-چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه سیاست و فرهنگ- و بازی در فضای جدید باز می‌گردد. به دیگر سخن، اگر بازیگری فعال و نقادانه در فضای جدید همراه با منافع و مضاری باشد، بی‌تردید بازیگری منفعلانه و انزواگرایانه فقط همراه با ضرر و زیان خواهد بود. این نیز قابل ذکر است که بازیگری فعال و نقادانه برای اعلام حضور در اقتصاد جهانی و همینطور اثرگذاری بر روند تصمیمات و سیاستگذاری‌ها در قالب اتحادها و پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی، نیازمند دولتی است که توانایی بهره‌گیری از تمامی فرصت‌های ملی و فراملی را در حوزه‌های مختلف داشته باشد. به دیگر سخن، هرچند که نقش دولت در ساماندهی امور اقتصاد کمرنگ‌تر شده است، اما بازیگری فعال و نقادانه در جهت بهره‌برداری

جهانی شدن اقتصاد به این مفهوم است که دیگر دولت - ملت‌ها در زمینه مسایل اقتصادی، استقلال ندارند و پدیده‌های اقتصادی داخل کشورها، متأثر از روند تحولات جهانی اقتصاد است.

حداکثر از فرصت‌های به وجود آمده و حداقل‌سازی هزینه‌ها و خطرات ممکن بر نقش مقتدر و کارآمد دولت تأکید دارد. ***جهانی شدن و تجارت درون صنعتی:** گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به نوبه خود این امکان را فراهم ساخته است تا تولیدات صنعتی به شکلی غیرمتمرکز و با گردآوری قطعات از مکان‌های مختلف صورت گیرد. بدین مفهوم بسیاری از کشورها در یک صنعت خاص به عنوان صادرکننده و واردکننده همزمان مطرح گردیده‌اند. شاخص تجارت درون صنعتی که سهم تجارت درون صنعتی را محاسبه می‌نماید، در دهه‌های اخیر به سرعت رو به افزایش بوده است. به عنوان نمونه، سهم مبادلات میان صنایع مشابه در هفت کشور بزرگ صنعتی از ۴۹ درصد در سال ۱۹۸۱، به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است و در مورد کشورهای تازه صنعتی‌شده آسیا (کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور) این شاخص از رقم ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵، به رقم ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۰ بالغ گردیده است.

***گسترش فناوری اطلاعات و میزان بهره‌گیری از آن:** گسترش فناوری اطلاعات یکی از عوامل تسهیل و تسریع‌کننده روند جهانی شدن به شمار می‌آید و گسترش استفاده از آن در کشورهای جهان، به عنوان یکی از شاخص‌های جهانی شدن مطرح شده است. در این ارتباط، شاخص‌هایی همچون تعداد کاربران اینترنت، حجم مبادلات الکترونیکی در تجارت جهان و گسترش استفاده از ماهواره‌ها و تلفن‌های همراه مطرح هستند. توسعه استفاده از فناوری اطلاعات، نه تنها در زمینه‌های اقتصاد و بازرگانی،



بلکه به زمینه‌هایی همچون علوم و تحقیقات، اطلاع‌رسانی، آموزش و... نیز ماهیتی فراملی داده است.

۳) تئوری‌های غربی جهانی‌سازی: شرط پایه‌ای جهانی‌سازی، آزادی تجارت بین‌المللی می‌باشد. در مورد آزادی تجارت بین‌المللی، دو گرایش عمده بین اقتصاددانان به چشم می‌خورد: گرایش اول، مربوط به کلاسیک‌ها است. این گروه طرفدار تجارت آزاد هستند و مشخصه دیدگاه اقتصادی آنها، حداقل مداخله دولت و نیل به تعادل عمومی بر اساس انگیزه‌های فردی و عوامل اقتصادی است. گرایش دوم، موضع اقتصاددانان مخالف و منتقدان نظام تجارت آزاد است که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: فردریک لیست، پایه‌گذار مکتب تاریخی آلمان و پیروانش که نظام تجارت آزاد را به کل نفی نمی‌کنند، بلکه اتخاذ آن را در شرایط خاص و یکسان بودن قدرت اقتصادی و صنعتی کشورهای درگیر، مناسب می‌دانند، ولی در غیر این صورت، به نظر آن‌ها تجارت سبب نابودی صنایع داخلی می‌شود^(۹).

اقتصاددانان مشتاق نظام مرکز - پیرامون، مانند راثول پریشیو و هانس سینگر، اساساً تجارت آزاد را به ضرر کشورهای در حال توسعه می‌دانند و در مجموع توصیه نموده‌اند که کشورهای در حال توسعه لازم است دوره‌ای را به اجرای راهبرد تجاری جایگزینی واردات اختصاص دهند، تا آثار منفی تجارت بر توسعه آنها به حداقل برسد. مایکل تودارو، اقتصاددان ارشد مرکز بررسی سیاست‌ها در شورای جمعیت سازمان ملل و استاد اقتصاد دانشگاه نیویورک، تحلیل و ارزیابی جالبی در این زمینه دارد. وی پنج سوال

اکنون حتی بانک جهانی نیز پذیرفته است که جهانی شدن اقتصاد، چه در جغرافیای ملی و چه در جغرافیای جهان، برندگان و بازندگان دارد.

اساسی را در زمینه رابطه تجارت و توسعه اقتصادی مطرح نموده و بر اساس نظر کلاسیک‌ها به آن‌ها پاسخ می‌دهد: سپس پاسخ‌هایی را بر اساس نظرهای کلی و اجماعی اقتصاددانان تنظیم می‌نماید که دیدگاهی میانه و واقع‌گرایانه است^(۱۰).

۴) شرایط و خصوصیات جهانی شدن: خصوصیات جهانی شدن اقتصاد، یعنی ویژگی‌های تولید و توزیع را می‌توان به شکل زیر برشمرد:

۱) جهانی شدن بازارهای مالی.
۲) جهانی شدن استراتژیک شرکت‌ها در درون یک بازار رقابتی.

۳) انتشار تکنولوژی همراه با فرایند تحقیق و توسعه در سطح جهان.

۴) شکل‌گیری الگوهای مصرف جهانی همراه با بازارهای مصرفی جهانی.

۵) جایگزین شدن توان نظم بخشیدن به اقتصاد ملی توسط اقتصاد سیاسی جهانی.

۶) کاهش نقش دولت-ملت در طراحی قوانین تدبیر جهانی.

۷) افزایش شکاف‌های طبقاتی در درون جوامع، اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه.

۸) حاشیه‌ای‌تر شدن جوامع کمتر توسعه یافته.

۹) برتری سرمایه نسبت به نیروی کار.

از سوی دیگر، محمد حسین ادیب معتقد است که جهانی شدن و عضویت در سازمان جهانی تجارت، نه شرط کلی دارد که عبارتند از: ۱) آزاد سازی تجارت خارجی شامل آزادی واردات کلیه محصولات صنعتی و کشاورزی، لغو محدودیت بر واردات خدمات، حذف حقوق گمرکی بر واردات محصولات کشاورزی و صنعتی و آزادی صادرات کلیه تولیدات داخلی، ۲) آزادی نرخ کالاها و خدمات، یعنی حذف کلیه سوبسیدهای غیر مستقیم، ۳) آزادی نرخ ارز، ۴) آزاد سازی نرخ بهره، ۵) لغو انحصارات دولتی و خصوصی، ۶) جریان آزاد اطلاعات، ۷) تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار، ۸) جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی، ۹) ایجاد دولت ناظر به جای دولت عامل در عرصه سیاست و اقتصاد^(۱۱).

۵) اقتصاد جهانی شده یا اقتصاد سرمایه داری؟ به نظر می‌رسد که آنچه در حال جهانی شدن است، همانا اقتصاد سرمایه‌داری است. خصوصیات این نظام چیست؟

۱) سرمایه‌داری دارای منطق ویرانگری و بازسازی همراه با منطق تولید و بازتولید می‌باشد.

۲) اندیشه بازار مفهوم آزادی را در درون خود دارد. آزادی اقتصادی به معنای خرید و فروش، آزادی جابجایی کالا، پول، خدمات و انسان‌ها می‌باشد. آزادی‌های فوق قابل تحقق و اعمال نیستند مگر اینکه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی آزادی‌های مشابهی بدست آید.

۳) مزیت نسبی کشورهای در حال توسعه که نیروی کار و منابع طبیعی ارزان و فراوان است، بر حسب نیاز و منطق



بیکاران و چالش‌های مشابه، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. جهانی شدن، استقلال اقتصادی را نیز از بین می‌برد و با از بین رفتن استقلال اقتصادی، بسیاری از اصول فرهنگی در جامعه فرو خواهد ریخت و وضع به حالتی در خواهد آمد که دست‌یافتن به سود اقتصادی، ملاک درستی فعالیت‌ها می‌باشد.

جهانی شدن، پذیرش الگوی سرمایه‌داری است و در صورتی که پذیرش الگوی سرمایه‌داری، بی‌چون و چرا و بدون تغییر باشد، با آرمان‌های اسلامی و جهان‌بینی و ارزش‌های اخلاقی اسلام سر تضاد دارد. جهانی‌سازی فرآیند حساب شده‌ای است که بیشتر قدرت‌های سرمایه‌داری، برای نیل به اهداف خود و اعمال یک مدل گسترده فکری در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به پیش می‌برند.

در بعد سیاسی، جهانی‌سازی تلاشی است برای تنظیم مفاهیم نوین روابط بین‌المللی که به حامیان جهانی‌سازی حق مداخله در امور کشورهای جنوب را در مواردی همچون حمایت از حقوق بشر و ارتقای مردم‌سالاری می‌دهد. در بعد فرهنگی نیز جهانی‌سازی مستلزم تخریب سنت‌ها و هویت‌های ملی و جایگزینی ارزش‌های مصرف‌گرا و فردگراست. در ذیل به برخی از این آثار به طور گذرا اشاره خواهیم کرد. جدول زیر، مقایسه‌ای است بین دو قشر عمده جهان، یعنی یک پنجم از ثروتمندترین و یک پنجم از فقیرترین مردم دنیا. همان طور که از اعداد جدول زیر کاملاً مشهود است، اختلاف وسیعی بین این دو دسته وجود دارد، به طوری که می‌توان ادعا کرد شاهد اعمال یک ظلم آشکار در جوامع بشری هستیم.^(۱۳)

۲) آثار مثبت: در بعد سیاسی می‌توان با ارایه راهکارهای مناسب و تصمیم‌گیری‌های صحیح، کشورهای دیگر را به همکاری سیاسی دعوت نمود و افزایش قدرت جوامع متحد را در آینده شاهد بود. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به وسیله متحد شدن با سایر ملل، به یک کشور قدرتمندتر در منطقه تبدیل شود. در بعد فرهنگی هم می‌توان با تقویت مؤسسات فرهنگی، تبلیغات وسیع و اصولی، فرهنگ اصیل و کهن ملی و مذهبی خود را به سایر ملل جهان معرفی نمود و آنها را تحت تأثیر فرهنگ غنی

اقتصاد سرمایه‌داری جهان تحمیل می‌شود و رهایی یافتن از آن امری بس دشوار و حتی ناممکن به نظر می‌رسد.

۴) نقطه‌نهایی در سرمایه‌داری نامشخص است و نمای ممکن از جهانی شدن اقتصاد در عمل امری غیرممکن به نظر می‌رسد.

۵) قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی به شدت به یکدیگر وابسته‌اند. طبق قانون وگنر (Wagner's Law) افزایش توان اقتصادی منجر به افزایش درآمد دولت و افزایش قدرت دولت در داخل و خارج از مرزها می‌شود.^(۱۴)

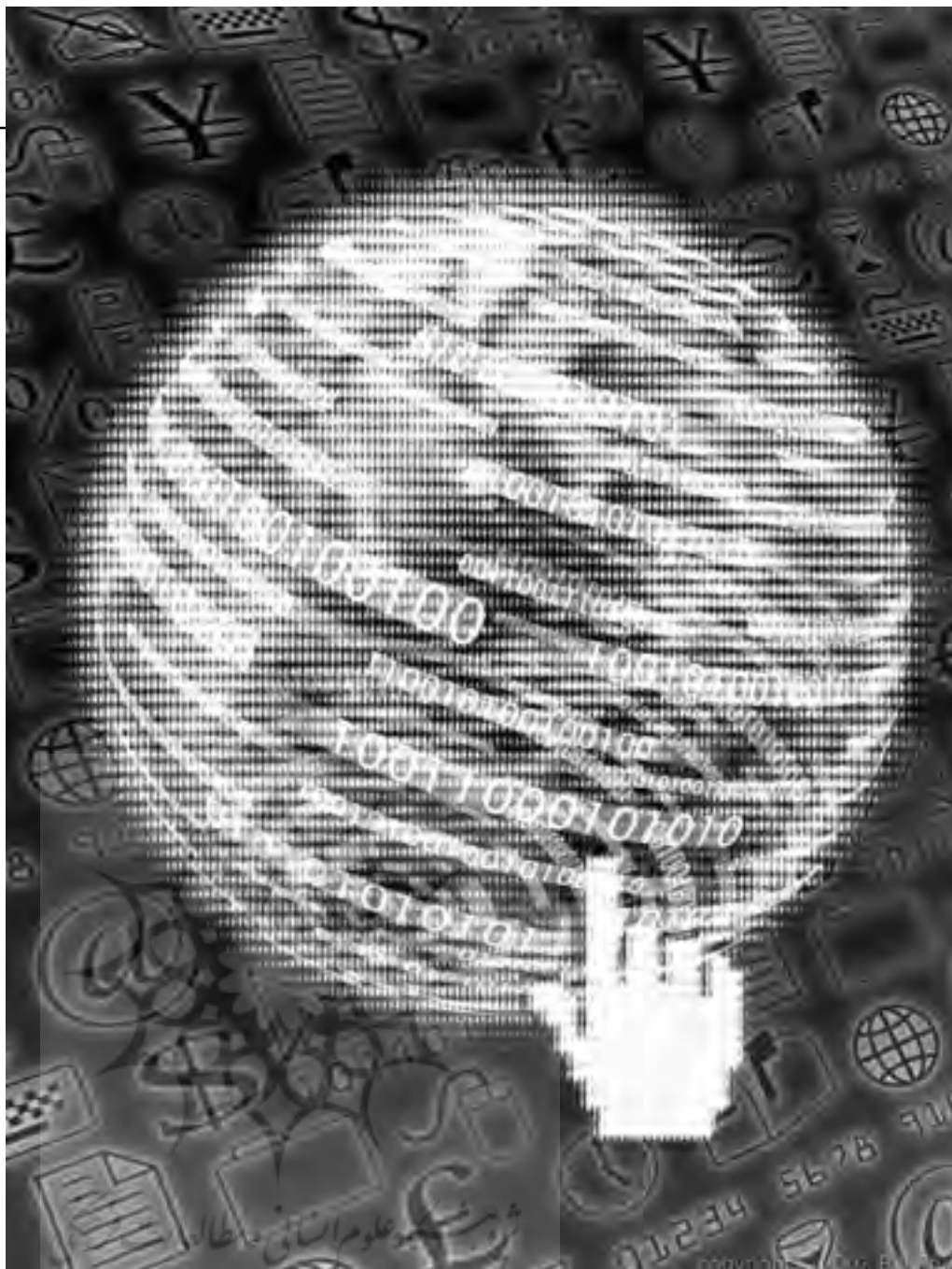
آثار جهانی شدن اقتصاد

۱) آثار منفی: جهانی شدن اقتصاد و کشورها، آثار مختلفی را بر اقتصاد جهانی و ملی گذاشته است. آثار این فرآیند آنچنان وسیع و گسترده است که گاه فراتر از معیارها و شاخص‌های اقتصادی رفته و جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... را نیز در بر گرفته است. بعد منفی جهانی شدن اقتصاد برای ما که همان آسیب‌های پیوستن به جهانی‌سازی اقتصادی می‌باشد، بدین صورت است که جهانی‌سازی در صدد گشودن بازارهای باز برای جابجایی آزادانه تولیدات و خدمات است، در عین حال، این جابجایی در آغاز تنها یک سو به شمال به جنوب است و کشورهای شمال (ممالک توسعه یافته اقتصادی) نیز عرف‌ها و دیگر محدودیت‌ها را بر واردات کشورهای جنوب تحمیل می‌کنند. دیگر اثر منفی جهانی‌سازی از بعد اقتصادی، بیکاری گسترده است، به این دلیل که پس از آزادسازی اقتصاد و عدم توانایی در رقابت برای شرکت‌های تولیدی جهان سوم، تعداد زیادی از این شرکت‌ها که توان مقابله با شرکت‌های شمال (جهان اول و دوم) را ندارند، تعطیل می‌شوند، میزان بیکاری بسیار زیاد شده و جامعه با اثرات منفی بیکاری، از جمله افزایش انواع فساد، رکود اقتصادی، فقر گسترده، کاهش سطح دستمزدها و کاهش تقاضای مؤثر روبرو خواهد شد، در حالی که برای جمهوری اسلامی ایران مبارزه با انواع فساد و کاهش فقر، از جمله اهداف بنیادین نظام و حتی جزو اهداف اصلی انقلاب عظیم اسلامی سال ۵۷ بوده است، بنابراین، تنظیم یک استراتژی مناسب از طرف تئوریسین‌های اقتصادی دلسوز جهت مبارزه با لشکر

ردیف	شاخص	یک پنجم ثروتمند جهان	یک پنجم فقیر جهان
۱	مصرف انرژی	۵۸٪ کل انرژی جهان	کمتر از ۴٪
۲	ارتباطات	۷۴٪ کل خطوط جهان	۱٪/۵
۳	خودرو	۸۷٪ کل خودروهای جهان	کمتر از ۱٪
۴	گوشت و ماهی	۴۵٪	کمتر از ۵٪
۵	کاغذ	۸۴٪	۱٪/۱

امکان بهره‌مندی کشورهای در حال توسعه از منافع جهانی شدن، تابعی از توان رقابتی این کشورها و قدرت بازی کردن در فضای جدید است.

اگر بازیگری فعال و
نقادانه در فضای
جدید همراه با منافع
و مضاری باشد،
بی تردید، بازیگری
منفعلانه و
انزواگرایانه، فقط
همراه با ضرر و
زیان خواهد بود.



جهانی شدن اقتصاد در قالب مفهیمی چون تولید مشارکتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، صرفه‌جویی ناشی از مقیاس تولید، رقابت و ... بوده است. برای نمونه، به آمارهای زیر اشاره می‌شود: میزان تولید جهانی در سال ۱۹۹۶ به ۳۰۰۰۰ میلیارد دلار رسید، در حالی که این میزان در سال ۱۹۸۰ تنها ۱۱۱۰ میلیارد دلار بوده است. بدین ترتیب، تولید جهانی در مدت ۱۶ سال، حدود ۳۰ برابر شده است. حجم صادرات هم در سال ۱۹۶۰، معادل ۱۲۴/۸ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۹۶ به ۴۵۶۵ میلیارد دلار افزایش یافته، یعنی در مدت ۳۶ سال، تقریباً ۳۷ برابر شده است.

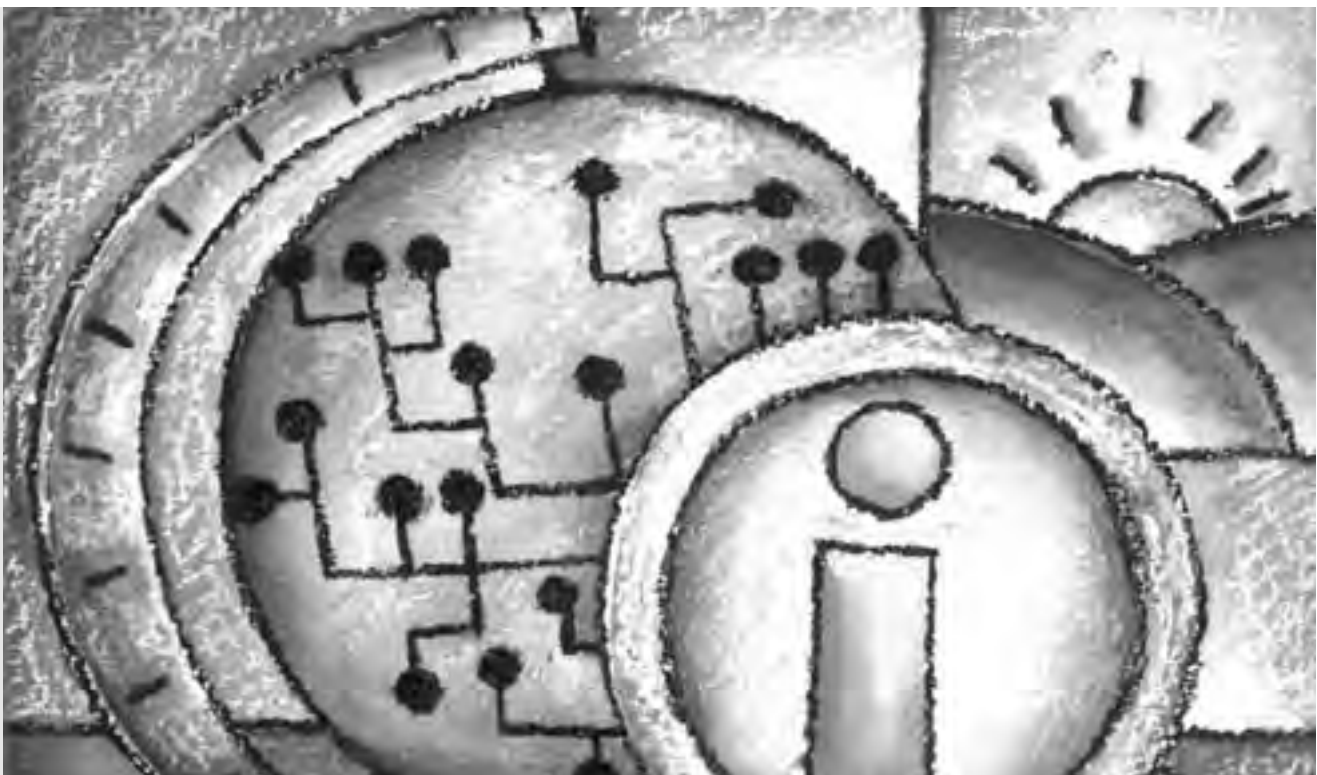
جهانی شدن در اقتصاد اسلامی

در مورد فرایند جهانی شدن در چارچوب موازین اقتصاد اسلامی، توجه به نکات زیر ضروری است:

خود قرار داد. علاوه بر این، کشور پهناور و زیبای ایران با پتانسیل فوق‌العاده توریستی، زیارتی و سیاحتی، در صورت برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند درآمد فوق‌العاده‌ای از صنعت توریسم نصیب اقتصاد متکی به نفت خود بنماید.

در ابعاد اقتصادی نیز در کوتاه‌مدت شاید برخی آسیب‌ها به جامعه وارد شود، ولی در بلندمدت باعث افزایش رقابت‌پذیری در جامعه، رشد تکنولوژی، رونق اقتصادی و کم‌شدن تدریجی اختلاف تولید جوامع جهان سوم از لحاظ فنی و اقتصادی با کشورهای پیشرفته خواهد شد.

هر چند که در نگاه اول جهانی شدن باعث تعمیق شکاف بین فقیر و غنی در سطح جهان شده است، اما باید به این واقعیت هم توجه داشت که بسیاری از شاخص‌های جهانی اقتصاد مانند تولید جهانی، صادرات و ... رشد شگرفی داشته‌اند، و بدون تردید این افزایش، مرهون اثرات پدیده



**آثار جهانی شدن
اقتصاد آنچنان
وسیع و گسترده
است که گاه فراتر از
معیارها و
شاخص‌های
اقتصادی رفته و
جنبه‌های سیاسی،
اجتماعی، فرهنگی
و... را نیز در بر گرفته
است.**

جهانی‌سازی اسلامی بر محور حق و عدالت، با هرگونه مانعی برای دستیابی به حقوق انسان‌ها می‌ستیزد، همه زنجیرها و پایبندها را از دست و پای انسان‌ها برمی‌دارد و بشر و حقوق او محوریت می‌یابد. در نتیجه، امت واحده و اجتماعی یگانه از همه افراد انسانی تشکیل می‌گردد. جهانی‌سازی اسلامی راهی به سوی میانه را در پیش می‌گیرد، و فردگرایی افراطی سرمایه‌داری را پایه نمی‌داند و آزادی‌های عنان گسیخته در مالکیت فردی را تنها معیار نمی‌شناسد و اجازه نمی‌دهد که اکثریت جامعه به صورت بردگانی برای صاحبان زر و زور درآیند. اسلام مسیر کلی انسان در این زندگی، عروج و فرازگرایی و سقوط و نشیب‌گرایی وی را به تصویر کشیده است. در این مسیر، سرنوشت عمومی انسان تبیین گردیده و هدایت الهی و آموزش‌های پیامبران برای همه انسان‌ها ضروری شمرده شده است. تفاوت‌ها و امتیازهای موهوم که ممکن است یگانگی، یکسانی و یکپارچگی جامعه انسانی را بگسلند، باطل و پوچ معرفی شده‌اند. بدین‌گونه نگرش قرآنی به انسان و جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است که هیچ حد و مرز و مانعی نمی‌شناسد. در قرآن کریم، زمین، خانه همه انسان‌ها دانسته شده است: و الارض وضعها للانام (الرحمن / ۱۰) (... و زمین را برای مردم نهاد).

خطاب‌های قرآنی، همه عام و به صورت جمع و خطاب به همه بشریت است و این نوع واژه‌ها یک خانه و یک خانواده بودن و یگانگی جامعه انسانی را روشن می‌سازند: و هو الذی انشاکم من نفس واحده (انعام / ۹۸) (و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد).

۲) نقش عدالت در جهانی‌سازی اقتصاد اسلامی:
اسلام جهت جهانی نمودن اقتصاد اسلامی و مقابله با اثرات منفی جهانی شدن اقتصاد، مراحل را معرفی نموده است که به طور موردی عبارتند از: ۱) فرهنگ‌سازی، ۲) جهانی‌سازی علم، دانش، فناوری، فنآوری و بیداری، ۳)

۱) عدالت، به عنوان محور جهانی‌شدن در اقتصاد اسلامی: در مورد مبنای توسعه در اقتصاد اسلامی در میان متون دینی و مذهبی و آیات و روایات، می‌توان شواهد فراوانی را در تحسین و تأیید عدالت به عنوان مبنای توسعه پیدا نمود، آیات و روایاتی که عدالت را موجب برقراری دولت رفاه و عامل عمران و آبادی و توسعه دانسته‌اند.
امام علی (ع) می‌فرمایند: العدل حياه الاحكام (زنده‌شدن دین و احکام دین به اجرای عدالت است).
پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: لولا الخبز ما صلینا ولا صمنا (اگر نان نباشد، نه می‌توانیم نماز بخوانیم و نه می‌توانیم روزه بگیریم)^(۱۴).

در مورد اجرای عدالت به عنوان وظیفه حاکمان و کارگزاران هم مدارک زیادی به چشم می‌خورد. از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، عهده‌دار شدن حکومت توسط حاکم هیچ ارزشی ندارد مگر برای تحقق اصول نظام. حضرت امام خمینی (ره) در بیانی دیگر می‌فرمایند: برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی بوجود بیاید که با همه قشرهای ما به عدالت رفتار نماید. حضرت امام (ره) هم چنین تأکید می‌نمایند چون اسلام برای برقراری حکومت عادلانه آمده، قوانین آن نیز منطبق با عدالت است؛ اسلام برای اقامه حکومتی عدل گستر آمده است. در این آیین، قوانین مربوط به امور مالی از قبیل مالیات و بیت‌المال و شیوه جمع‌آوری مالیات از همه اقشار و طبقات جامعه، به طرز عادلانه‌ای تدوین و تنظیم شده است.

از دیگر نظریات اسلامی در باب توسعه، می‌توان به بیان امام صادق (ع) در این باره اشاره نمود. امام صادق (ع) فرمودند: ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم (اگر میان مردمان به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌گردند).
از مطالب مذکور چنین برداشت می‌شود که وظیفه اصلی دولت در اسلام، برقراری حکومت عادلانه است. بنابراین، عدالت باید معیار جهانی‌سازی اسلامی باشد.



فردریک لیست، پایه گذار مکتب تاریخی آلمان، نظام تجارت آزاد را به کل نفی نمی کند.

شرط پایه ای
جهانی سازی، آزادی
تجارت بین الملل
است.

ذکر شده در قرآن ندارد. در اقتصاد دینی ما، جهانی شدن، به شکل سرمایه داری غربی و استکباری رد شده، اما در صورتی که به صورت عادلانه انجام شود، کاملاً مورد تأیید است. از ویژگی‌ها و امتیازهای جهانی سازی قرآنی، تبیین روشن اصول، معیارها و اندیشه‌های فرامرزی و جهانی، انسان گرایی راستین در عین جهانی نگری و کنارزدن هدف‌ها و انگیزه‌های غیر انسانی است.

با توجه به انکارناپذیری جهانی شدن، تنها راه پیوستن با سازمان جهانی تجارت و پذیرش شرایط این سازمان و پذیرش یک سری از مضرات به دلیل رسیدن به مجموعه‌ای از منافع می باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند و مطرح اسلامی، با بکارگیری بموقع زوایای مثبت جهانی شدن، می تواند آثار کوتاه مدت منفی جهانی شدن را رفع نماید و حتی در عین حفظ اصول اسلامی و فرهنگی خود، در منطقه به عنوان یک قدرت اقتصادی مطرح شود.

شرط اساسی داشتن اقتصاد ملی قوی این است که سیاست‌های کلان اقتصادی شفاف و بی‌ابهام باشند و به مزیت‌های نسبی اقتصاد جامعه اهمیت بیشتری داده شود^(۱۶). سیاست‌گذاری‌های ناهمخوان، بدترین ضربه را به اقتصاد ایران وارد ساخته‌اند. این اقتصاد نیازمند ثبات در سیاست‌های مالی و پولی مسوولان اقتصادی است.

نفی نظام‌های سلطه جهانی،^(۴) گسترش عدل جهانی،^(۵) ریشه‌سوزی استثمار جهانی.^(۱۵) بنابراین، نقش عدالت اقتصادی در این حالت مشخص می‌شود.

مرحله چهارم جهانی سازی اسلامی، گسترش عدل جهانی می‌باشد. از معیارهای اصولی در جهانی سازی اسلامی، "جهانی سازی عدل" در روابط میان افراد، نژادها و گروه‌ها می‌باشد. اصول عدالت در اسلام، جهانی بوده و هیچ‌یک از حد و مرزهای ساخته دست منفعت طلبان را به رسمیت نمی‌شناسد. در جهانی سازی اسلامی، موازین عدالت میان انسان‌ها به دقت عملی می‌گردد. لقد ارسلنا رسلنا بالبینات، و انزلنا معهم الکتاب و المیزان، ليقوم الناس بالقسط (حدید/۲۵)، یعنی بیگمان پیامبران را با نشانه‌های آشکارا برانگیختیم، و با آنان کتاب و میزان فرستادیم، تا مردمان به قسط و دادگری برخیزند (و همه چیز بر پایه داد و دادگری باشد).

نتیجه گیری

برداشت نهایی از مطالب یاد شده این است که اساس توسعه اقتصادی در قرآن و احادیث اسلامی، عدالت می‌باشد. بنابراین، در صورتی که جهانی شدن و یکپارچگی اقتصاد بین الملل، در جهت رسیدن و نزدیک شدن به عدالت واقعی و معنوی گام بردارد، هیچ منافاتی با توسعه اقتصادی



جهانی شدن اقتصاد
ممکن است در
کوتاه مدت موجب
وارد آمدن برخی
آسیب‌ها شود، ولی
در بلندمدت باعث
افزایش
رقابت پذیری، رشد
تکنولوژی، رونق
اقتصادی و ... خواهد
شد.

اصلاحات پیشنهادی آنان باشند.
در پایان لازم به ذکر است که چون پروسه جهانی شدن علاوه بر جریان‌های اقتصادی، دارای ابعاد فرهنگی- مذهبی، سیاسی و... می‌باشد، لذا در ابعاد غیر اقتصادی نیز نیاز به یک منطقه‌گرایی تخصصی احساس می‌شود. در بعد غیر اقتصادی، ایران به عنوان کشور قدرتمند منطقه می‌بایست با اتحاد و همبستگی با سایر ملل همفکر و هماهنگ با آرمان‌های غیر اقتصادی خود، با برنامه ریزی صحیح به مقابله با عوامل مخرب و استفاده از عوامل مفید جهانی شدن اقتصاد بپردازد.

- ۹) تفضلی، فریدون (۱۳۷۲).
۱۰) توودارو، مایکل (۱۳۷۴).
۱۱) ادیب، محمدحسین (۱۳۸۰).
12) Rasnick, P.(1986),p.157.
۱۳) گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۵).
۱۴) اصول کافی/جلد ۵.
۱۵) حکیمی، محمد (۱۳۸۲).
۱۶) کلباسی، حسن (۱۳۷۹).

مجریان اقتصادی لازم است به شدت از سیاست‌زدگی و وابستگی به جناح‌های سیاسی پرهیز نمایند. باید مجمعی از اقتصاددانان لایق و متعهد تشکیل یابد که در هر وضعیتی، حق انتقاد سازنده و تصحیح سیاست‌های کلان اقتصادی را داشته باشد. این مجمع باید با رسیدن به یک اجماع نظر با گزینش چارچوب تئوریک منطبق با شرایط و ساختار نظام اجتماعی- مذهبی جامعه، سیاست‌های کلی و راهبردی اقتصادی را تدوین نماید و زمینه قانونی هم‌انگونه فراهم گردد که دولت‌ها، ملزم به رعایت نظرات و

- زیرنویس‌ها
۱) آنی نات، ادوارد (۲۰۰۳). صفحه ۱.
۲) افراخته، حسن (۱۳۸۰).
۳) گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۵).
4) Albrow M (1996).
۵) اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۳۷)، صفحه ۴۷.
۶) نبی رهنی، داود (۱۳۸۲)، صفحه ۹۰.
7) Alain de Benoist (1996).
۸) جعفرپور کلوری (۱۳۸۵).

منابع

۱) منابع فارسی

- ۱) اخوان زنجانی، داریوش / ۱۳۷۷ / جامعه مدنی و جامعه مدنی جهانی / اطلاعات سیاسی - اقتصادی / شماره ۱۲۸-۱۲۷ / فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.
۲) ادیب، محمد حسین / ۱۳۸۰ / بحران‌های اقتصادی ایران و راهکارهای برون رفت از آن / نشر هشت بهشت / اصفهان / ۱۳۸۰.
۳) اصول کافی / جلد ۵.
۴) افراخته، حسن / ۱۳۸۰ / جهانی شدن اقتصاد و نقش آن در ساختار فضایی و اجتماعی شهرها / اطلاعات سیاسی - اقتصادی / سال شانزدهم / شماره اول و دوم / مهر و آبان ۱۳۸۰.
۵) آنی نات، ادوارد / ۲۰۰۳ / رویارویی با چالش‌های جهانی شدن / سایت آینده‌نگر / نوامبر ۲۰۰۳ / صفحه ۱.
۶) تفضلی، فریدون / ۱۳۷۲ / تاریخ عقاید اقتصادی / نشر نی / تهران / ۱۳۷۲.
۷) توودارو، مایکل / ۱۳۷۴ / توسعه اقتصادی در جهان سوم / ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی / نشر نی / تهران / ۱۳۷۴.
۸) جعفرپور کلوری / ۱۳۸۵ / مقاله "جهانی شدن" نویسنده: رشید / مجله اندیشه صادق / دانشگاه امام صادق (ع) - www.isu.ac.ir
۹) حکیمی، محمد / ۱۳۸۲ / جهانی سازی اسلامی و جهانی سازی غربی / فصلنامه کتاب نقد / شماره ۲۵.
۱۰) قران کریم.
۱۱) کلباسی، حسن / ۱۳۷۹ / تجارت بین الملل / نشر جهاد دانشگاهی اصفهان / اصفهان / ۱۳۷۹.
۱۲) گودرزی، غلامرضا / ۱۳۸۵ / مقاله "جهانی شدن: خطر یا رویا؟ الزام یا انتخاب؟" / سایت اینترنتی مجله اندیشه صادق / دانشگاه امام صادق (ع) / www.isu.ac.ir
۱۳) نبی رهنی، داود / ۱۳۸۲ / فرصت‌ها و رقابت‌های علمی کشورهای در حال توسعه در قرن بیست و یکم / رهیافت / شماره ۲۹ / بهار ۱۳۸۲.
۱۴) یقین لو، مهرانگیز / ۱۳۸۲ / چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران - مبانی اندیشه‌ای برنامه چهارم توسعه - بخش نخست / باهمکاری: فرانک جواهردشتی و مریم خلیلی عراقی / ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر / شماره ۱۳۳ / خرداد ۸۲.
۲) منابع غیرفارسی

- 1) Albrow M.(1996), The global age, Cambridge, polity press.
2) Alain de benoist,(1996), Confronting globalization, telos, no 108, (summer 1996), p 117.
3) Rasnick, p.(1986). The functions of the modern state in search of a theory, in the state in global perspective, edited by Ali kazancigil, gower, UNESCO, p.157.